



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی



دیده : چشم	هفت خان : نام هفت مرحله از جنگ های رستم
نخجیر: شکار	رخش :اسم اسب رستم در لغت به معنی رنگ سرخ و سفید مخلوط شده است.
نبرد: جنگ	اژدها : جانور افسانه ای بزرگ به شکل سوسمار اغلب دو سر دارد.
چاک چاک : پاره پاره	از بند رهایی دهد : از زندان و اسارت آزاد کند.
قوی پنجه: زورمند، توانا	دیوان : جمع دیو، موجودات خیالی و ترسناک
رهايي: آزادی	کیکاووس : پادشاه نادان و بی اراده ی ایرانی
فرجام : پایان، آخر کار، عاقبت کار	سم : قسمت انتهایی انگشتان حیوانات که مثل کفش برای آنهاست.
پیکار: جنگ	آذرگشسب : آتش تند و تیز، اسم یکی از پهلوانان است.
اهریمن : شیطان و ابلیس	تیمار کردن: مراقبت کردن، خدمت کردن ، رسیدگی به آب و خوراک حیوان
سخت : پر از رنج و زحمت	زابلستان : نام شهری در استان سیستان و بلوچستان
بر: سینه، تن	سهمگین : خوفناک، ترس آور ،ترسناک
بدین سان : به این گونه	قصد : خواست و اراده برای انجام کاری
یال : موهای بلند پشت گردن اسب	اولاد: نام دیوی است که در خان پنجم رستم با وی و سپاهیانش مواجه می شود و آنان را تار و مار می کند.
دلیر: شجاع	خم: در این درس به معنی حلقه ی طناب کمر بند طناب بند ریسمان
بیم : ترس	داور: انصاف دهنده ، خدای تعالی
یزدان : آفریدگار – خداوند	زبهر: به خاطر
حیله: مکر و فریب	نیایش: راز و نیاز کردن با خداوند
دستگاه: شکوه ، قدرت ، عظمت	چیره : غالب و پیروز(چیرگی : پیروزی)
گردی: پهلوانی	دادگر: کسی که با عدالت رفتار می کند دلیری
ارژنگ دیو: نام یکی از سرداران دیو سپید است. ششمین خان رستم، جنگ با ارژنگ دیو است.	

کنایه :

در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است. وقتی درباره ی مطلبی به طور غیر مستقیم صحبت می کنیم، به آن کنایه می گوییم. کنایه سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده، معنای دور آن است.

مبالغه :

گاه شاعران و نویسندگان برای افزودن بر تاثیر و قدرت سخن خود، رویدادها را بسیار بیشتر از آن چه هست، توصیف می کنند. به اینگونه بزرگ نمایی در بیان حوادث «مبالغه» می گویند.

که گفتت برو دست رستم ببند نبندد مرا دست چرخ بلند

در این بیت شاعر در قدرت و توانایی رستم، **مبالغه** کرده است که از نظر عقل باور کردنی نیست؛ یعنی حتی روزگار هم نمی تواند دست رستم را ببندد و او را اسیر کند.

معنی جمله ها:

می گویند از هفت خان رستم گذشته است.

معنی به کنایه : توانسته است مراحل دشواری را پشت سر بگذارد و به موفقیت برسد.

دیوها را از پای در می آورد.

معنی به کنایه : دیوها را نابود می کرد.

رخش به تنگ می آید.

معنی به کنایه : رخسار خسته می شود.

معنی بیت ها :

خروشید و جوشید و برکنده خاک ز سمش زمین شد همه چاک چاک
رخش شیهه کشید و جست و خیز کنان از شدت خشم با ضربه های سمش زمین را پاره پاره کرد.
آرایه ادبی: در این بیت مبالغه به کار رفته است در خشم رخس ، اغراق شده است.

بزد تیغ و بنداخت از بر سرش فرو ریخت چون رود خون از برش
رستم با شمشیر، سرش را از تن جدا کرد و خون فراوانی از تن اژدها جاری شد.
آرایه ادبی : در ریخته شدن خون مبالغه شده است.

بینداخت چون باد خم کمند سر جادو آورد ناگه به بند
رستم با سرعت بسیار طناب را به طرف جادوگر پرتاب کرد و سرش را با ریسمان بست و او را اسیر کرد.
آرایه ادبی : کنایه در سرعت بسیار دارد و مبالغه شده است

میانش به خنجر به دونیم کرد دل جادوان زو پر از بیم کرد
با خنجر جادوگر را از کمر نصف کرد و تمام جادوگران از این اتفاق ترسیدند.

چو رستم بدیدش برانگیخت اسب بدو تاخت مانند آذرگشسب
وقتی رستم او را دید اسبش را به حرکت درآورد و مانند آتشی تند به سرعت روان شد.
آرایه ادبی : تاختن مانند آذرگشسب: کنایه از تند و سریع حرکت کردن

نکته دستوری : " چو " در مصراع اول به معنی " زمانی که " ، " وقتی که " حرف ربط است بنابراین نباید با نشانه تشبیه اشتباه کرد؛ مرجع " او " ارژنگ دیو است .

سر و گوش بگرفت و یالش دلیر سراز تن بکندهش به کردار شیر

رستم سر و گردن ارژنگ دیو را گرفت و مانند شیر شجاع و قوی سرش را از تن جدا کرد.

زبهر نیایش سرو تن بشست یکی پاک جای پرستش بجست

رستم برای راز و نیاز با خداوند خودش را شست و جای پاکی را برای عبادت کردن پیدا کرد.

نکته دستوری: سر و تن (مفعول) می باشد؛ پاک جای (ترکیب وصفی) است (در واقع جای پاکی) است.

از آن پس نهاد از بر خاک سر چنین گفت کای داور دادگر

بعد از این مشغول عبادت و راز و نیاز با خداوند شد و گفت: ای خداوند بزرگ و عادل

آرایه ادبی: سر بر خاک نهاد کنایه از فروتنی و فرمانبرداری کردن (در این درس یعنی رازونیز کردن)

نکته دستوری: داور دادگر ترکیب وصفی است و نقش **منادا** دارد.

به هر بد تویی بندگان را پناه تو دادی مرا گردی و دستگاه

پروردگارا! در برابر تمام بدی ها پناهگاه بندگان هستی و تو به من پهلوانی، قدرت و عظمت داده ای .

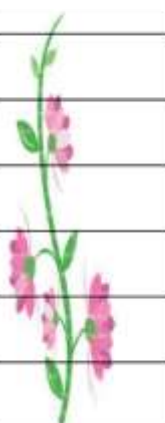
نکته دستوری: "را" در مصرع اول نشانه مفعولی نیست و در مصرع دوم "را" به معنی (به) می باشد و حرف اضافه است.

(مرا = به من)

پیام درس:

این درس درباره هفت خان رستم مطالبی گفته است رستم برای نجات دادن کیکاووس پادشاه ایران به مازندران می رود و با دیوها می جنگد رستم در این سفرهفت مرحله سخت و دشوار را طی می کند که به آن هفت خوان می گویند.

فرزند دلبندم: هفت خان رستم را بنویس .

	خان اول :
	خان دوم :
	خان سوم:
	خان چهارم :
	خان پنجم :
	خان ششم:
	خان هفتم:

دانش آموز تلاشگر :

با مراجعه به بخش واژه‌نامه در پایان کتاب فارسی خوانداری خود متن زیر را کامل کن.



شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از بزرگترین

از متن درس هفت خان رستم سه جمله را انتخاب، و سپس نهاد و فعل آنها را مشخص کن.

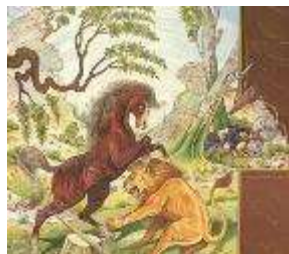
جمله	فعل	نهاد

با توجه به متن درس جمله ها را به ترتیب رویدادها شماره گذاری کنید و برای هر خان نام مناسب انتخاب نمایید:

- رستم در بیابان با جستجوی فراوان چشمی می یابد و بیابان سخت را پشت سر می گذارد.
- رستم به کمک کمک اولاد بر ارژنگ دیو چیره می شود.
- رستم و رخس با اژدها ای که در تاریکی فرو می رود و ناپدید می شود به نبرد برمی خیزند.
- بینداخت چون باد، خَم کمند سر جادو آورد ناگه به بند
- رستم با دیو سفید به جنگ می پردازد و او را از پای در می آورد.
- شیری قوی پنجه به رستم و اسبش حمله می آورد رخس شیر را از هم می درد .
- رستم اولاد را به بند می کشد .
- سر و گوش بگرفت و یالش دلیر سر از تن، بکندش و کردار شیر

با توجه به متن درس هفت خان رستم هر یک از تصاویر زیر مرتب کن و بنویس با کدام مرحله از هفت خان رستم مرتبط

است؟



با توجه به معنی هر بیت بنویس شاعر در چه چیزی مبالغه کرده است؟

خروشید و جوشید و برکند ز سَمش زمین شد همه، چاک چاک

رخس شیهه کشید و خشمگین شد و به نشانه یورش سم خود را بر زمین کوبید به گونه ای که زمین زیر پایش تکه تکه شد.

.....

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

بگذار تا همانند بارش ابر در فصل بهار، گریه کنم؛ چرا که در روز خداحافظی دوستان، حتی سنگ هم به گریه می‌افتد.

بیاموزیم :

گاهی در بیت یا جمله ای که مبالغه شده است واژه ی «صد» یا «هزار» هم می آید؛ مانند :

شخصی به هزار غم گرفتارم در هر نفسی به جان رسد کارم

در این بیت شاعر در غم های بسیار مبالغه کرده است .

دلم گرفته از این روزها دلم تنگ است میان ما و رسیدن ، هزار فرسنگ است

در این بیت شاعر در فاصله ی زیاد بین خود و دوستش ،اغراق کرده است.

توجه :

همیشه «صد» و «هزار» دلیل مبالغه بودن نیست؛ مانند :

هزار نفر از راه رسیدند که صد نفرشان مرد بودند.

در این مثال هیچ گونه مبالغه ای وجود ندارد.

چند نمونه کنایه	معنای نزدیک	معنای دور
هنوز از دهنش بو شیر میاد	دهن بوی شیر می دهد.	بچه بودن
پشت پا زدن به چیزی	با پا ضربه زدن به آن چیز	بی اعتنائی کردن و ترک کردن آن
دست از سر من بردار	دست را از روی سر من بردار	مرا رها کن
یکی دو پیرهن بیشتر پاره کرده	تعداد بیشتری پیراهن پوشیده و کهنه کرده است.	با تجربه بودن

فرزند دل‌بندم: شما نیز دو مورد کنایه با مفهوم دور و نزدیک آن بنویس.



در کدام گزینه آرایه ادبی مبالغه وجود ندارد؟

- | | |
|---------------------------------|------------------------------|
| الف (بینداخت چون باد، خم کمند | سر جادو آورد ناگه به بند |
| ب (شود کوه آهن، چو دریای آب | اگر بشنود نام افراسیاب |
| ج (بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش | فرو ریخت چون رود، خون از برش |
| د (از آن پس نهاد از بر خاک، سر | چنین گفت که داور دادگر! |

پیام درس دوستان همدل :

آن چیزی که مهم است ، احساس مشترک و درک متقابل است ؛ یعنی مهم نیست که ما اهل کجا هستیم یا به چه زبانی با هم صحبت می کنیم ؛ مهم این است که با یکدیگر مهربان و صمیمی باشیم. علاوه بر این باید در زندگی از عقل و خرد خود استفاده بکنیم و کارهای اشتباهی را انجام ندهیم که زندگی ما خراب شود .

دوست خوبم:

بخوان و بیندیش دوستان همدل اگر شما به جای دوست یونس بودید چگونه در برخورد با دوست تازه وارد خود عمل می کردید در یک بند بنویس.

با توجه به متن بخوان و بیندیش دوستان همدل و پیام این داستان برداشت خود را از بیت « دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود » بنویس.



درس ۶ ای وطن

ای وطن!

ای سلامم ، ای سرودم

ای نگهبان وجودم

ای غمم تو ، شادی ام تو

مایه ی آزادی ام تو ... ای وطن!

ای وطن!

معنی: ای وطن! تو سلام و شعر و آواز من هستی و در برابر دشمن از فرهنگ ، هستی و تاریخ ما محافظت می کنی.

ای وطن ! در حال ، چه غم و چه شادی ، به یاد تو هستم . تو سبب آزادی و رهایی من هستی .

آرایه ی ادبی : تو (وطن) مانند نگهبان : تشبیه

ای دلیل زنده بودن

ای سرودی صادقانه

ای دلیل زنده ماندن

جان پناهی جاودانه ... ای وطن !

معنی: ای وطن ! تو انگیزه ی بودن من هستی و مانند شعری بی ریا و صمیمی هستی .

ای وطن ! تو انگیزه و دلیل زندگی کردن من هستی و همیشه سبب آرامش و امنیت من و پناهگاه من می باشی.

آرایه ی ادبی : تو (وطن) مانند سرودی صادقانه :تشبیه

نکته ی دستوری : در این مصراع ها ، واژه های (دلیل) و (سرود) منادا نیستند ، بلکه واژه ی (وطن) منادای محذوف می

باشد (منادایی که حذف شده است) یعنی : ای (وطن) که دلیل زنده بودن (هستی) یا ای (وطن) (مانند) سرودی

صادقانه (هستی)

همچو رویش در بهاران

همچو جان در هر بدن

مثل بوی عطر گل ها

مثل سبزی چمن ... ای وطن !

معنی: ای وطن ! تو مانند گیاهان بهاری هستی که می رویند و زندگی را آغاز می کنند و مانند روح و جان هستی که به همه زندگی می بخشی .

ای وطن ! تو مانند گل های خوشبو و معطر هستی و مانند چمنزاران سرسبز و شاداب می باشی .

آرایه ی ادبی: همچو رویش در بهاران : تشبیه - همچو جان : تشبیه - مثل بوی عطر گل ها : تشبیه - مثل سبزی چمن : تشبیه

مثل راز شعر حافظ

مثل آواز قناری

همچو یاد خوش ترین ها

همچو باران بهاری ... ای وطن !

معنی : ای وطن ! تو مانند راز فال شعر های حافظ و مثل آواز قناری عاشق ، جذاب و ارزشمندی تو مانند خاطره های خوش و به یادماندنی هستی و مانند باران لطیف و پاک بهاری می باشی .

آرایه ی ادبی : در همه ی مصراع ها ، تشبیه وجود دارد .

مثل غم در مرگ مادر

مثل کوه غصه هایی

مثل سربازان عاشق

قهрман قصه های ... ای وطن!

معنی : ای وطن! غم تو مانند غم از دست دادن مادر، دردناک و مانند کوهی از غصه و اندوه می باشد که روزگار بی وفا ، تو را گرفتار این رنج ها کرده است .

ای وطن! تو مانند سربازان عاشقی که دلیرانه و قهرمانانه در برابر دشمنان ، دفاع کرده اند؛ سر افراز و سر بلند ایستاده ای.

آرایه ی ادبی : مثل غم ، مثل کوه و مثل سربازان عاشق (تشبیه)

همچو آواز بلندی

از بلندی های پاک

با غروری ، با گذشتی

با وفایی همچو خاک ... ای وطن !

ای وطن !

معنی: ای وطن ! تو مانند آواز بلند و رسا که پاک و لطیف است ، سربلند . با افتخار هستی و از خود گذشتگی داری و مانند

خاک با وفا می باشی . ای وطن من ...

آرایه ی ادبی : در این مصراع ها ، وطن به آواز بلند و خاک ، تشبیه شده است .

منادا چیست ؟ به کسی یا چیزی که آن را صدا بزنیم یا مورد خطاب قرار دهیم ، منادا می گویند .

منادا معمولاً با یکی از نشانه های ندا می آید . نشانه های ندا عبارتند از : ای، یا، ا، آی

نکته :

گاهی منادا بدون نشانه (حرف ندا) می آید.

مثل: نیما، دوست عزیز، سفر خوشی را برایت آرزو می کنم.

گاهی حرف ندا نشانه ی (الف) است که بعد از منادا می آید.

مثل: سعدیا ، مرد نکو نام نمیرد هرگز (سعدی : منادا) الف : حرف ندا)

پیام درس :

این درس به ستایش وطن می پردازد و آن را مایه ی نجات و پناهگاه خود می داند. شاعر در این شعر به وطنش ، افتخار می کند چون که وطن انسان ، سبب افتخار و سر بلندی آن هاست، بنابراین باید قدر وطن را بدانیم و آن را گرامی بداریم .

تاریخ ادبیات :

شاعر شعر ای وطن ← نادر ابراهیمی (۱۳۸۷-۱۳۱۵ ه.ش)

نویسنده و سینماگری که با داستان های کودک و نوجوان ، فعالیت های فرهنگی اش را آغاز کرد .

کلاغ ها و سنجاب ، دور از خانه ، قصه های ریحانه خانم ، قصه های سار و سیب ، نوسازی حکایت های خوب قدیم برای کودکان و ... بعضی از کتاب های کودک و نوجوان از آثار اوست . نخستین کتابش را به اسم **خانه ای برای شب** در سال ۱۳۴۱ نوشت . پس از انقلاب ، زندگی امام خمینی (ره) را با نام سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما آمد نوشت .

دلبندم !

به واژه نامه ی آخر کتاب مراجعه کن و معنی کلمات زیر را پیدا کن تا با آنها بیشتر آشنا شوی .

جاودانه :

جان پناه :

غصه :

رویش :

کلمات زیر را در یک بند به کار ببر (وطن ، ایران ، طبیعت ، دوستی ، سرسبزی)



.....

.....

.....

.....

سه جمله بنویس و در آن ها و طن را به چیزی تشبیه کن.

..... *

..... *

..... *

درباره ی حدیث " حب وطن من الایمان " فکر کن و یک بند درباره آن توضیح بده .



.....

.....

.....

.....

متن زیر را ادامه بده و یک بند بنویس.



ایران وطن من است

.....

.....

در ردیف زیر دو کلمه داده شده شما با نوشتن چند کلمه از متن درس آنها را ادامه دهید.

، ، ، صادقانه ، جاودانه

در کدام گزینه منادا وجود ندارد.

الف) ای وطن همچو باران بهاری

ب) بچه ها گوش کنید

ج) الهی یکتای بی همتایی

د) چو ایران نباشد تن من مباد

درباره غرور ملی یک بند بنویس.



.....

.....

.....

حکایت

انواع مردم

برگرفته از : کتاب کیمیای سعادت ، ابو حامد امام محمد غزالی

بدان که مردم از سه جنس اند :

آگاه باش که انسان ها از سه دسته تشکیل شده اند

بدان : آگاه باش -جنس : دسته ، گروه

بعضی چون غذا هستند که وجودشان برای ما لازم است .

بعضی همانند غذا هستند که برای ادامه ی زندگی به وجود آن ها نیاز داریم ؛ یعنی زندگی بدون آن ها امکان پذیر نیست .

آرایه ی ادبی : چون غذا (مانند غذا) تشبیه

و بعضی چون دارو هستند که فقط گاهی به آن ها نیاز داریم .

بعضی دیگر مانند دارو هستند که هر وقت دچار مشکل و گرفتاری می شویم ، به کمک ما می آیند و مشکلات را برطرف می سازند .

آرایه ی ادبی : چون دارو (مانند دارو) تشبیه

و برخی دیگرمانند بیماری هستند که ما هرگز به آن ها نیاز نداریم ، ولیکن گاهی گرفتارشان می شویم که در چنین هنگامی باید صبر و تحمل داشته باشیم تا به سلامت از دست ان ها ، رها شویم .

دسته ای دیگر مانند بیماری هستند که ما هرگز به وجود آن ها نیاز نداریم ، چون که سراسر درد و رنج هستند ، اما گاهی گرفتار آن ها می شویم که در چنین هنگامی باید با صبر و حوصله از کنارشان بگذریم و برای همیشه از دست آن ها ، رها شویم .

آرایه ی ادبی : مانند بیماری : تشبیه

پیام درس :

به نظر شما چه کسانی وجودشان مانند غذا برای ما ضروری است ؟

بدانیم

امام محمد غزالی (۵۰۵_۴۵۰ هجری شمسی)

امام ابو حامد محمد بن محمد غزالی از دانشمندان معروف دوره ی سلجوقی است. وی در فقه و حکمت کلام سر آمد روزگار خویش بود. پدرش مردی بافنده و برخی لقب غزالی را به مناسبت پیشه ی او می دانند غزالی را به مدت پنج سال در مدرسه ی نظامیه تدریس می کرد. از آثار او می توان به کیمیای سعادت، نصیحه الملوک و احیاء علوم الدین اشاره کرد.

کیمیای سعادت کتابی است از امام محمد غزالی درباره ی اصول دین اسلام که در آخرین سال ها ی قرن پنجم هجری نوشته شده است .

فرزند دلبندم : چند بیت شعر در مورد ایران بنویس.



.....

.....

.....

.....